

## لزوم دفاع مشترک از فعالان کارگری که قرار است در سقز محاکمه شوند

بابک عماد

روز ۱۲ اردیبهشت، نیروهای امنیتی رژیم با حمله به صف راه‌پیمایان روز کارگر در سقز ۴۹ تن را بازداشت کردند. طی مراحل اولیه بازجویی ۴۲ تن آزاد شدند و هفت تن از سرشناسان فعال کارگری را در زندان نگه داشتند. دستگیری فعالان کارگری در سقز با اعتراض وسیع چند اتحادیه کارگری محلی و بین‌المللی نظیر فدراسیون اتحادیه‌های کارگری سوئد (LO) که دو میلیون کارگر در آن عضویت دارند، کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری آزاد (ICFTU) که نمایندگی ۱۵۰ میلیون کارگر و ۲۳۳ اتحادیه و تشکل کارگری در ۱۵۲ کشور را به عهده دارد و فعالان و نیروهای جنبش کارگری ایران در خارج کشور مواجه شد. به دنبال اعتراضات داخلی و بین‌المللی رژیم ناچار شد دستگیرشدگان را بعد از ده روز به قید ضمانت آزاد کند. اما همین که اعتراضات فروکش کرد، رژیم که می‌دید اتهامات اولیه به دستگیرشدگان به معنی نقض حق تجمع کارگران برای برگزاری مراسم‌های کارگری است و اعتراض گسترده جهانی را به دنبال داشت، با استفاده از فرصت به دست آمده که به دنبال فروکش کردن اعتراضات حاصل شده بود، دست به توطئه زد و طی ارسال احضاریه‌هایی برای هفت فعال کارگری، اعلام کرد آنها را به اتهام هواداری و ارتباط با کومه‌له در تاریخ ۳ شهریور محاکمه خواهد کرد. رژیم با طرح این ترفند همانگونه که محمود صالحی یکی از فعالان کارگری که قرار است محاکمه شود، طی نامه‌ای به گی ژوگل، مسئول بخش اروپائی و بین‌المللی ث.ث.ت فرانسه نوشت، می‌خواهد این فعالان کارگری را از حمایت‌های بین‌المللی و پشتیبانی تشکلهای محلی و بین‌المللی کارگری محروم سازد.

رژیم جمهوری اسلامی که قدرت را با همکاری دولت‌های سرمایه داری جهانی به دست گرفت، از همان روز اول، اقدام به تجدید ساختمان آن بخش از مناسبات سرمایه‌داری کرد که در جریان خیزشهای کارگری-مردمی قیام ضد سلطنتی سال ۵۷ ضربه خورده بودند. خمینی، ناجی سرمایه‌داری جهانی در ایران که به قدرت طبقاتی کارگران و سایر مزدبگیران جامعه و حساسیت موقعیت اجتماعی آنان واقف بود، با عوامفریبی و بیان اراجیفی چون " پیغمبر دست کارگر را بوسیده است" تلاش کرد توجه کارگران و عموم توده‌های زحمتکش ایران را نسبت به اقدامات ضدکارگری رژیم که در جهت ابقا، منافع سرمایه‌داران صورت می‌گرفت به انحراف بکشد. چون این کار بخاطر شرایط اجتماعی آن زمان موفق نبود، رژیم در جریان سرکوب‌های اجتماعی، بخش‌های کارگری را نیز تسخیر کرد و وسیله و ابزار سرکوب و تحمیق خود نظیر انجمن‌های اسلامی و حراست را در آنها برقرار ساخت. رژیم که نتوانسته بود کارگران را از مبارزه برای احقاق حقوق صنفی خود از طریق دامن زدن به باورهای مذهبی، ایجاد توهم در آنها و اسلامیزه کردن جامعه باز دارد، سرکوب جنبش کارگری را در دستور کار خود قرار داد و ضمن آنکه کنترل تشکلهای کارگری نظیر خانه کارگر را به دست گرفت، فعالان کارگری را که خواهان تغییر قانون کار زمان شاه به نفع کارگران بودند تحت تعقیب قرار داد، زندانی و اعدام کرد. مبارزه کارگران برای احقاق حقوق صنفی خود به دلیل سرکوب شدید با وقفه چند ساله مواجه شد. سوء مدیریت و انباشت بیش از حد سرمایه در دست سرمایه‌داران و مافیای اقتصادی وابسته به جناح‌ها و نهادهای مالی و تجاری حکومتی، ضمن کاهش سطح تولید و افزایش درجه استثمار و بهره‌کشی، زندگی را برای بیش از ۲۰ میلیون کارگر و زحمتکش و خانواده‌های آنها سخت و طاقت فرسا کرد. عدم توانائی رژیم در پاسخگویی به نیازهای اولیه زندگی توده‌های مزدبگیر مردم و افزایش فشارهای اقتصادی به کارگران، معلمان، پرستاران و سایر مزدبگیران زحمتکش بویژه تأمین مطالبات و دستمزد آنها، این طبقه را طی یک دوره رکود به مبارزه آشکار با حاکمیت کشاند. تشکلهای صنفی کارگری موجود در ایران، در کنترل رژیم هستند و بخاطر وابستگی به حکومت قادر نیستند از منافع کارگران و حقوق منتسبان به خود در مقابل سرمایه داران و دولت حامی آنها دفاع کنند. کارگران توهمی به این تشکلهای ندارند و می‌خواهند تشکلهای مستقل خود را ایجاد کنند. حاکمیت سرمایه‌داری در ایران بنا به ماهیت استبدادی خود حاضر نیست حق تشکل را در ایران برسمیت بشناسد. از یک سو، یک نیروی عظیم اجتماعی داریم که خواهان دستیابی به حقوق حقه خویش است، و از سوی دیگر رژیمی در ایران است که نه تنها به تلاشی اقتصاد و نیروی‌های تولید پرداخته بلکه کوچکترین حقی برای طبقه مزدبگیر قائل نیست. کشمکش میان طبقه حاکم و طبقه محکوم در ایران بیک عامل مهم اجتماعی و یک امر روزانه تبدیل شده است. روزی نیست جامعه ایران شاهد اعتراض و اعتصاب کارگران در کارخانه، معلمان در

مدرسه و پرستاران در بیمارستان نباشد. رژیم اعتصاب و اعتراض بدون مجوز را ممنوع اعلام کرده است. اما توده‌های زحمتکش، بویژه کارگران طی سال‌های اخیر به دفعات با آمدن به خیابانها و یا متوقف کردن چرخ‌های تولید نشان داده‌اند که برای گرفتن حق خود یا برگزاری مراسم‌های مربوط به خود نیاز به مجوز ندارند. کارگران سقز نیز با همین نظر و استدلال اقدام به برگزاری مراسم روز کارگر در این شهر کردند. اقدام مستقل کارگران سقز به منظور برپائی مراسم روز کارگر، مبارزات کارگران ایران را وارد عرصه جدیدی کرده است که با توجه به موقعیت متزلزل رژیم در داخل و خارج ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بویژه آنکه مسائل کارگری و شرایط رقت بار کارگران ایران را در مرکز توجه جامعه کارگری بین‌المللی قرار داده است. لازم است نیروهای مدافع جنبش کارگری با هر عقیده و مرامی، به این مهم توجه کنند و حال که چنین موقعیت جهانی در حمایت از کارگران ایران پدیده آمده، با حفظ نظرات و عقاید خود، آنجا که بر سر مسائل کارگری وجوه مشترک دارند و به حقوق صنفی کارگران مربوط می‌شود، به اقدامات دفاعی و حمایتی مشترک از فعالان کارگری و سایر هم‌سرنوشتی‌هایشان نظیر معلمان، پرستاران و... بپردازند. اکنون زمینه عینی برای درگیر شدن با مسائل کارگری ایران فراهم آمده است و این امر بویژه از آن جهت حائز اهمیت است که رژیم می‌خواهد با محاکمه فعالان کارگری سقز دور جدیدی از سرکوب در میان کارگران را سازمان دهد تا این طبقه توان اعتراض نسبت به سیاست‌های ضدکارگری رژیم را در همین سطح هم که هست از دست بدهد. ما می‌توانیم و باید با توجه به شرایط پیش آمده در رابطه با مسائل کارگری ایران، یک جنبش وسیع در دفاع و حمایت از جنبش کارگری را سازمان دهیم. در جریان دستگیری فعالان کارگری در سقز، فعالیت‌های بسیاری اعم از اعتراضی، افشاگرانه و دیپلماتیک صورت گرفت که به حمایت وسیع جامعه کارگری بین‌المللی از کارگران دستگیر شده و آزادی آن‌ها منجر شد. این فعالیت‌ها پراکنده و غیرمتمرکز بود و به همین دلیل نیز مانند فعالیت و اقدامات انجام گرفته در ۲۵ سال گذشته، خصلت خودبخودی داشت و با آزادی کارگران از زندان متوقف گردید. اکنون که محاکمه فعالان کارگری در دستور کار رژیم قرار دارد، مدافعان جنبش کارگری باید بتوانند با کار و فعالیت مشترک بخش‌های بیشتری از جامعه کارگری محلی و بین‌المللی و حتی نهادهای حقوق بشری و حقوقی غیردولتی را در جهت دفاع از این فعالان بسیج کنند و زمینه را برای ایجاد فعالیت‌های مستمر و مشترک آماده نمایند.